راهبردهای توسعه پژوهش های هنری در ايران

**آذر ماه 1391**

**کارگروه مطالعات موردی**

حامد ايرانشاهی

مقدمه

کشور ایران به لحاظ پژوهش در حوزه هنر، در جایگاه نازلی ، قرار دارد.این وضعیت در شرایطی اتفاق می افتد که این کشور، در روزگاری دور طلایه دار فرهنگ و هنر و تمدن در دنیا بوده وتولید هنر در آن ،درجایگاه بسیار رفیعی قرار داشته است. میراث فرهنگی کثیری که از اعصار مختلف در کشور باقی مانده است ، حکایت از زایش وتحولات هنری این آب وخاک در اعصار مختلف دارد و شوربختانه برخی از این میراث ،به واسطه سهل انگاری مدیران ودست اندرکاران امر، در آستانه تخریب وحتی نابودی قرار دارند . این واقعه ازعدم جدی گرفتن حوزه هنر ،در جامعه ما نشات می گیرد . به دنبال وضعیت به وجود آمده، پژوهش هنر نیز در میان پژوهشهای علمی ایرانیان،امری غیرضروری به نظر می رسد و تعداد عنوانهای پژوهشی در حوزه هنر،نسبت به عناوین پژوهشی، در دیگر علوم،این مسئله را بیشترروشن می سازد. برای رفع این نقیصه می بایست در ابتدا،یک تصویر کلی از وضعیت علمی وپژوهشی هنر در ایران مقابل روی خویش، قرار دهیم ،وسپس به کمک آن ، چالش های این حوزه را شناسایی و در جهت رفع آنها راهبردهایی را مورد بررسی قرار دهیم. در این نوشتار کوشش گردیده که نخست تصویر روشنی از وضعیت مطالعات هنر در ایران ارائه گردد و سپس چالش ها و راهبردهای پژوهش هنر در کشور مورد مطالعه وارزیابی قرار گیرد.

**اهمیت پژوهش در حوزه هنر**

گسترش روزافزون تکنولوژی،در عصرمعاصر با ما، به حدی لجام گسیخته پیش می رود که به وضوح می توان شباهت های بسیار زیادی را در شیوه زندگی انسانها در سرتاسر دنیا با یکدیگر یافت .برای نمونه جهان اول و جهان سوم هر دو یک تصور، از اینترنت،تلویزیون،کولر،آسانسور، مایکروفر و ماهواره ... دارند. این واقعه نشان از شباهت زندگی انسانها با یکدیگر وبسط وگسترش سریع تکنولوژی دارد. از قضا این همسان سازی،تاثیرات مشابهی را نیز، در دیگر حوزه های اجتماعی به دنبال خود داشته است.

به همان ترتیبی که در بخش صنعت، دستگاههای نساجی ،ماشین سازی،و... در همه جای دنیا به شکلی مشابه وجود دارند و تکنولوژی های مدرن تمام زندگی روزمره بشر را شبیه به هم کرده است،

در بعد سیاسی و اجتماعی نیز اوضاع به همین منوال است.نظام های سیاسی و اجتماعی مدرن، جای نظامهای سیاسی سنتی را گرفته و به جای گروه های اجتماعی سنتی،در همه جای دنیا حزب، NGO، و کانون و انجمن صنفی و... به وجود آمده است. در آینده ای بسیار زود،همچنین خواهیم دید که جهان ،در بعد سیاسی و اجتماعی نیز، یکسان اداره می گردد(Riordan Roett and Russell Crondall 1999:271-280).

جهانی شدن وتحولات مربوط به آن،با سرعت کم سابقه ای در حال گسترش است وآینده گریز ناپذیری را برای بشریت به ارمغان آورده است.حال سوال بنیادینی که در اینجا مطرح می شود این است که، وقتی ظاهر زندگی انسانها در همه جای جهان شبیه به هم گردید ،وجه تمایز ملل، از یکدیگر چه چیزی خواهد بود؟ در آن شرایط تکلیف مفاهیمی همچون هویت ملی،هویت مذهبی،غروملی و...چه می شود؟ پاسخ این سؤال دشوار و اگر کمی دیر بجنبیم ،شاید غیرممکن به نظر آید و دیگر هیچ چیزی را برای تمایز میان ملتها در این میان نتوانیم بجوییم .(اسلامی ندوشن 1390).

در پاسخ به سوال فوق اولین نکته ای که به ذهن خطور می کند این است که فرهنگ ومبادلات میان فرهنگی،تنها حوزه ای می باشد که اگر به خوبی روی آن مطالعه و پژوهش صورت پذیرد،می تواند تبدیل به وجه ممیزه ملتها در جهان معاصرشود.در مقابل نیز اگر نسبت به آن بی توجهی صورت گیرد، باید منتظر تحت تأثیر قرار گرفتن آن نیز،نسبت به فرهنگ غالب جهانی، بود . باید توجه داشت که مطابق عرف جهانی شدن،کشورهایی که به لحاظ اقتصادی،اقتصاد توسعه یافته ای داشته وبخش قابل توجهی از مبادلات اقتصادی دنیارا در انحصار خود دارند،در حوزه فرهنگ نیز،اراده کرده اند که فرهنگ و زبانشان نیز، به عنوان فرهنگ و حتی زبان جهانی، بر دنیا سیطره دهند.(سریع القلم 1384: 24)واگر تلاش کشورهای همچون فرانسه در جهت ارائه نظریه تنوع فرهنگی در جهان نبود،این چیرگی به نفع کشورهایی همچون ایالات متحده آمریکا صورت پذیرفته بود.

به طور کلی می توان گفت که در شرایط کنونی حوزه فرهنگ در مقایسه باحوزه اقتصاد و سیاست و مدیریت، وضعیت بینابینی دارد.بدین معنا که گاهی آن را تحت تأثیر سنتهای ملی و گاهی دیگر تحت تأثیر فرهنگ واحد جهانی که ابرقدرتهای سیاسی واقتصادی جهان در پی سیطره آنند، می بینیم. با توجه به این وضعیت بینابینی، برای حفظ میراث فرهنگی و تمدنی ( به منظور پررنگ شدن وجه تمایزمان با ملتهای دیگر) باید اهتمامی ویژه ورزید .

زبان،آداب،سنن،جشن ها اگرچه با رشد تکنولوژی تغییر رنگ داده اند اما هویت آنها همچنان حفظ گردیده است و ما هنوز شاهد حیات آنها در جوامع مختلف هستیم. تاریخ،زبان،هنر،ادبیات ومیراث فرهنگی ،اجزای تشکیل دهنده فرهنگ اند و تأثیر آنها را در یک جامعه می توان به وضوح مشاهده کرد.اما نکته اساسی این است که فرهنگ را با چه ابزاری می توان درجهت هدف فوق تقویت نمود وبه بیان بهتر برای آن تبلیغ کرد؟

پاسخ این سوال ضرورتهایی را جلوه گر می کند که ما را به بحث اصلی این نوشتار ،رهنمون می سازد وآن اهمیت حوزه هنر است.فرهنگ برای حفظ وانتقال خود نیازمند آن است که در قالب برندهای فرهنگی قرار گیرد(حاجیانی 1391).ومهمترین برندهای فرهنگی نیز در حوزه هنر تکوین می یابند. ما برای تشریح مناسبات انسانی جامعه مان ناچاریم که از هنرهایی مثل سینما مدد بگیریم و برندهای سینمایی می توانند این مناسبات را به ملل دیگرانتقال دهند ودر نهایت به عنوان سفیر فرهنگی کشورمان در دنیا مطرح شوند .به همین ترتیب در موسیقی،تئاتر،صنایع دستی،نقاشی ودیگر هنرهای تجسمی نیز اوضاع به همین گونه است وتنها با برندهایی که در حوزه های فوق تکوین می یابندمی توانیم وارد معادلات ارتباطات میان فرهنگی در دنیا شویم.دنیای هنر از تولید برندهای فرهنگی، تا توسعه انواع هنر،همگی مستلزم انجام فعالیت پژوهشی در این حوزه است.بدیهی است که هنر منهای تفکر واندیشه به مطربی ودلقکی منجر می شود وبرای حفظ هنر از این آفتها ناچاریم که فعالیتهای علمی وپژوهشیی را که باعث تعمیق وتوسعه انواع هنرها می شود را گسترش داد.آن چیزی که امروز تحت عنوان هنر در دنیا مطرح می شود ثمره تحقیق وپژوهش در این حوزه است.اهمیت پژوهش در حوزه هنر آنجایی پررنگ تر می شود که ،هنر در جایگاه سفیر فرهنگی کشورها در فضای بین الملل ایفای نقش می کند وبه نظر می رسد که برای بهتر اجرا شدن این نقش ،می بایست به شکل ویژه ای مطالعات گسترده روی آن صورت پذیرد.

در کشورما ایران این حوزه به دلایل نامشخصی در معرض فراموشی قرار گرفته وهنر بدون هیچ نقشه راهی راه خود را می پیماید.پژوهش در حوزه هنر همچنین به تدوین نقشه راه ،ومنشور هنر جمهوری اسلامی خواهد انجامید وبه همین لحاظ می بایست بسیار جدی گرفته شود.

**ضروت توسعه پژوهش های هنر**

فهم زیبایی ها و ظرافتهای ادبی وهنری درزبان وادبیات فارسی،بیشتر برای فارسی زبانان قابل درک ،جذاب ودارای بار هنری،اجتماعی واخلاقی است .به همین ترتیب ذکر افسانه ها وحماسه های ملی وهمچنین افتخارات تاریخی ایران، برای مردم ایران زمین، مایه ی مباهات است وجذاب به نظر می آید .گمان می شود که این موارد برای دیگرملل،از چنین جذابیت چندانی برخوردار نباشد .

حال مفاهیم این چنینی را چگونه می توان تبلیغ نمود وبه جهانیان معرفی کرد .به راستی زبان چینی و تاریخ اسپانیایی برای ما چه اهمیت فرهنگی وهنری دارد.ضمن تأکید بر اهمیت آنها در ساخت فرهنگ، باید گفت که از هیچ یک از اینها نمی توانیم به عنوان کالای تبلیغ فرهنگی استفاده کنیم .اما سؤال اینجاست که کالای تبلیغ فرهنگی چیست و ما چگونه می توانیم از آن در جهت مقصود فوق الذکر استفاده کنیم وبدان وسیله وجوه تمایزمان را با ملتهای دیگر پررنگ سازیم .

اولین حوزه ای که ذهن ما در پاسخ به این سؤال معطوف به آن می شود،حوزه میراث فرهنگی است. در نگاه اول به نظر می رسد که میراث فرهنگی کالای مناسبی برای تبلیغ هویت ملی و قومی است. تخت جمشید ،دیوار چین و اهرام ثلاثه مصر برای تمام مردم دنیا جذاب است ، اما استفاده ی هویتیی که ملل صاحب این آثار می توانند از آن نمایند به مراتب بیشتر از دیگر مللی است که به آن آثار هیچ تعلق خاطری ندارند.البته باید گفت که میراث فرهنگی ،تنها میراثهای فرهنگی فیزیکی(اماکن وبناها) نمی باشد ،بلکه میراثهایی همچون زبان ،موسیقی ،ادبیات نیز از میراث های فرهنگی معنوی محسوب می شوند ودقیقا این بخش از میراث فرهنگی است که قابلیت تبلیغ فرهنگی را در جامعه جهانی دارند.

آثار باستانی بسیاری، از ملتهای مختلف باقی مانده است، که بشر حتی نمی داند آنها به کدام تمدن وابسته اند و جزو میراث کدام ملت هاهستند.چه بسا میراث هایی که از یک ملت باقی مانده است و بهره ی فرهنگی اش را ملت دیگر می برد.یک نمونه بسیار روشن، مزار شاعر پارسی، مولانا جلال الدین محمد بلخی در قونیه و در خاک ترکیه است.این مکان در واقع جزو میراث فرهنگی ما محسوب می شود، اما ترکیه در حال حاضرهم با آن تولید فرهنگ می کند وهم استفاده اقتصادی و فرهنگی از آن می برد.

تقریبا روشن است که میراث فرهنگی به جا مانده از تمدن ها،گرچه می تواند عنصری تمدن ساز و فرهنگ ساز باشد، اما به خودی خود فرهنگ ساز و تمدن ساز نیستند.بلکه روحی که در میراث فرهنگی ملتها نهفته است ،می تواند به عنصری برای تبلیغ و ماندگاری فرهنگ ها بدل شود.حال سوال دیگر در اینجا مطرح می گردد که این روح چگونه در کالبد این میراث قرار گرفته است؟

یقینا وتحقیقا این روح با یک تکنیک خاص در دل میراث فرهنگی نهفته گردیده که آن تکنولوژی ،هنر است. بدون هنر سنگ های تخت جمشید، سنگ هایی هستند که از میلیونها سال پیش در کره خاکی وجود داشته اند واگر هنری وجود نداشت سنگها،به خودی خود حامل هیچ پیامی نبوده ونیستند. این هنر است که از تکیه سنگی بی ارزش، آثار هنری و میراث فرهنگی ارزشمندی خلق کرده است. هنر نیز گرچه در زمان به وجود آمدن این آثار کارکردی فرهنگی داشته ،لیکن چنانچه تحول و نوزایی نداشته باشد، مضمحل خواهد گشت و تنها یادی در تاریخ از آن در تاریخ باقی خواهد ماند.هنر به منظور آنکه همواره به عنوان کالای تبلیغ گر فرهنگ ملل باقی بماند نیازمند پویایی وتحول است.وبیش از بقیه آیتم ها در این خصوص نیازمند نوزایی است. ذکر هنر ملتی در تاریخ، در صورتی مایه مباهات آن ملت است که جریانهای هنری در آن جرگه تداوم داشته باشند وروبه تکامل داشته باشد.در غیر این صورت به مانند فرد معتادی می شود که گذشته بسیار درخشانی داشته و در حال حاضراعتیادش، گذشته درخشانش را تحت الشعاع قرار داده است. پس داشتن این میراث به خودی خود برای فرهنگ سازی کافی نیستند، بلکه وضعیت فرهنگی ملل در عصر حاضر،ملاک سنجش فرهنگ وتمدن ملتها در دنیاهستند.حال برای زنده ماندن یک تمدن ،با عطف به موارد مذکور چه باید کرد و از کجا باید آغاز نمود؟

سیر زایش فرهنگی در کشور ما روزبه روز روند نزولی بیشتری می یابد و این وضعیت فرهنگی، ما را به انسانی شبیه می سازند که تنها گذشته درخشانی داشته است وحال آن به سمتی پیش می رود که چندان تعریفی نداشته باشد. این سیر نگران کننده باعواملی همچون توسعه هنری، دوباره سیر سعودی پیدا می کند وبه همین لحاظ می بایست به تدبیری در جهت این مهم اندیشه کرد .زایش وپویش هنر،یکی از راهبردهای حفظ هویت فرهنگی ،در مقابله با برخی شقوق منفی جهانی شدن فرهنگ است وتنها با نگاهی علمی این مسئله ممکن می گردد.عدم نگاه علمی به حوزه هنر،نه تنها این سیر نزولی را سعودی نمی کند ،بلکه به سقوط بیشتر آن کمک می کند وفرهنگ را در نازلترین سطح خود نگاه می دارد.

هنر برای بالندگی نیاز به مطالعات جدی دارد .به همین لحاظ به جهت حفظ هویت فرهنگی و بالندگی حوزه فرهنگ، می بایست پژوهش هنر را در ایران بسیار جدی بیانگاریم وحوزه هنر را با پژوهشهای بنیادی،کاربردی وراهبردی فربه نماییم. بدیهی است که در این صورت می توانیم دوباره تخت جمشیدها،دیوان حافظها، وشاهنامه فردوسی ها خلق نماییم و بر هویت فرهنگی خویش ببالیم واز برخی آفتهای جهانی شدن فرهنگ (نابودی جنبه هایی از فرهنگ ملی) جلوگیری نماییم.

**نگاهی به وضعیت هنر در ایران امروز**

هنر از دیرباز تا به امروز زبان بیان فرهنگ و تمدن ملت ها بوده است و ماندگارترین دستاورد انسان در ادوار مختلف می باشد. با هنر باقیمانده از اعصار مختلف، پی به میزان و بهره ی مردم در علوم و تکنیک،می بریم .با مشاهده حجاری های تخت جمشید متوجه تکنولوژی ،ابزار کار،ذوق هنری،طرز تفکر،دانش،و فرهنگ هخامنشیان می شویم وبا تامل در میدان نقش جهان، تاثیر فرهنگ اسلامی و به ویژه شیعه را بر معماری ایرانی درک می نماییم.

در عصر حاضر اوضاع فرهنگی جهان تا حدی دگرگون گردیده است .بسط مفاهیمی چون جهان وطنی ،فرهنگ جهانی،انسان بدون مرز، مرز های فرهنگی ملت ها را یکی پس از دیگری در نوردیده و ملتهای مختلف نیز، در نهایت ناباوری، فرهنگ جدید را بدون هیچ چون و چرایی پذیرفته و در آن به شکل باور ناپدیری هضم گردیده اند. در جهان امروز، فرهنگ کشورهای قدرتمند در حوزه اقتصاد و تکنولوژوی ،به فرهنگ غالب جهانی تبدیل شده است و فرهنگ ملل، چه خوب و چه بد در آستانه فراموشی قرار گرفته است(سریع القلم 1384،ص24).امروزه وقتی در تهران به ساختمانهای مختلف نگاه می کنیم نه اثری از معماری ایرانی و نه اثری از معماری اسلامی می بینیم .همین طور وقتی به صداهایی که از داخل ماشینها به گوشمان می رسد ،دقت می کنیم می بینیم که این صداها نیز،هیچ قرابتی با موسیقی سنتی ما ندارند و موسیقی مورد استفاده جوانان ما ،کلامی بی قاعده و بی معنا است که روز به روز جوانان ما را بیشتر در ورطه الیناسیون فرهنگی غوطه ور می سازد.تئاتر و سینما ما هم در عصر حاضر با توجیه استانداردسازی وتخصصی شدن به سمت الگوی هالیوودی پیش می رود و این وضعیت با کمی کم و زیاد در تمامی دنیا تبدیل به یک هژمونی گردیده است.و اگر زبان ملل نیز رفته رفته به زبان یکسانی تبدیل شود،باید منتطر گسترش جهانی فرهنگ و زبان کشورهای قدرتمند،به عنوان فرهنگ جهانی واحد بود .در این صورت باید از فرهنگ و تمدن ملتها، تنها در تاریخ جهان ذکری شنید. ورود کلمات جدید ،موسیقی های وارداتی، شیوه جدید گفتگوی انسانها با یکدیگر و... از اثرات این مسئله است.جهانی شدن اگر در حوزه های دیگر به نفع بشر بوده است ،اما به یقین در حوزه فرهنگ بیش از سود ،برای جهان سوم زیان داشته است، و باعث فراموشی هویت فرهنگی این جوامع شده است .

هنر به عنوان کالای تبلیغ گر فرهنگ، نقشی اساسی درحفظ هویت فرهنگی ملت ها دارد و به همین جهت است که می بایست به آن با نگاه ویژه نگریست و درباره آن پژوهش کرد.بدیهی است که ما با تقویت موسیقی ملی مان می توانیم بگوییم که هنوز زبان پارسی زنده است و مضامین عالی اخلاقی ادبیات مان در جهان همچنان قابل طرح می باشد.به همین ترتیب با سینمای ملی مان می توانیم روابط فرهنگی قابل دفاعی را برای مردم دنیا به تصویر کشیم.هنر در صورتی که فاخر باشد،بهترین وسیله برای حفظ و غنای فرهنگ یک ملت است و به همین جهت است که نام فرهنگ و هنر همیشه به دنبال هم می آید والبته در موارد بسیاری نیز، از هم جدا ناپذیر به نظر می رسند. مطالعه حوزه فرهنگ بدون مطالعه حوزه هنر ،و مطالعه حوزه هنر بدون مطالعه حوزه فرهنگ ،مطالعه ناقصی است و فاقد اصالت پژوهشی است.

ملت ما تا دیروز حتی رسوم و آیین شان را نیز با هنر شان معرفی می کردند ،اما امروز،شاهد رنگ باختن هنر و فراموشی ان آیین هاهستیم (گفتگو با سیدمحمد بهشتی رئیس سابق سازمان میراث فرهنگی در فرهنگستان هنردر تاریخ 11/2/90). پیش تر شروع سال نو در ایران با موسیقی خاصی آغاز می گردید، وچند روز مانده به آغاز سال نو، آمدن سال جدید را با تئاتر و موسیقی خیابانی ،از زبان حاجی فیروز می شد شنید. در حدود بیست سال پیش اگر در خیابان ها قدم می زدیم آمدن سال نو را از رفتار مردم مشاهد می کردیم ،اما امروز، نوروز هم مثل بقیه روزهاست(گفتگو با دکتر محمد علی اسلامی ندوشن 30/2/90 در ایرانسرای فردوسی).غلبه فرهنگ جهانی از یک سو و مشکلات اقتصادی عدیده مردم از سوی دیگر باعث بی توجهی به هنر و تمدن و رسوم از سوی مردم و دولت شده است.

وقتی امروز در کنار پیرمردی ایرانی موسیقی دستگاهی ایرانی را پخش می شود ،چند لحظه بعد نام دستگاه و مشخصات فنی آن موسیقی را از زبان آن پیرمرد می شود شنید(گفتگو با استاد محمد رضا لطفی 3/5/1390در مکتب خانه میرزا عبدلله ) اما امروزه کمتر جوانی را می توان یافت که این قوه تمیز را داشته باشد و به همین ترتیب موسیقی دستگاهی و سنتی ما نیز در آستانه فراموشی قرار دارد . این برشی از فضای هنری ایران است. و مشخص نیست که اگر اوضاع به همین منوال پیش رود چه چیزی از فرهنگ و هنر و تمدن ایرانی باقی خواهد ماند.

رشد تکنولوژی از یک سو و محدودیت های موجود در کشور از سوی دیگر باعث شده که به جای هنر اصیل ،مضامینی به بازار فرهنگی ما عرضه گردد که نه تنها هنر نیستند ،بلکه به نابودی هنر نیز می انجامد و در نهایت مردم را به سمت کالاهای هنری وارداتی سوق می دهند.

هنر تنها خلق یک اثر نیست ،بلکه نشانگر اندیشه ای است که پشت خلق اثر قرار دارد و دقیقا به همین جهت است که نیازمند پژوهش بسیار است. چرا که بدون مطالعه و اندیشه ،چیزی از دل هنر بیرون نمی آید. ودر نتیجه اثری در بازارهنری به نمایش گذارده می شود که نه تنها به غنای فرهنگی کمک نمی کند، بلکه راه را برای فرهنگ وارداتی هموار تر می کند. و هنر را به مطربی و دلقک بازی تنزل می دهد( استاد محمد رضا لطفی-مجله آوای شیدا – زمستان 1389).هنر مثل دیگر وجوه فرهنگی، باید زنده و پویا باشد .بدین معنا که مطابق با نیازهای روز ،تغییر و تحول یابد که البته این مطلب در ایران امر غریبی است(مدیریت هنری در ایران- ص 124). البته باید اظافه نمود که تحول هنری هرگز به این معنا نیست که هویت یک هنر تغییر یابد، بلکه به این معناست که با استفاده از تکنولوژی روز ،پاسخی برای مسائل فرهنگی نسل امروز بیابد.مثلا در موسیقی فارسی علاوه بر استفاده از اشعار شعرای معاصر ، نت های ایرانی ،هم با سازهای ایرانی وهم با سازهای غربی نواخته گردند و یا با استفاده از موسیقی های دنیا ،در موسیقی فارسی ابداع و نوآوری ایجاد شود.(گفتگو با حمیدرضا نوربخش مدیرعامل خانه موسیقی ایران در خانه موسیقی مورخ15/8/90).

در کشور ما فقر پژوهشی در حوزه هنر به شدت احساس می شود و پژوهشکده ها و مراکز پژوهشی مهم کشور ما فاقد گروه های پژوهش هنری اند و این برای کشوری که داعیه فرهنگ و تمدن را در دنیا دارد نه تنها عیب محسوب می شود بلکه به گونه ای خطرناک هم هست.

به راستی ما برای تبلیغ فرهنگ کشورمان از چه وسایلی کمک گرفته ایم و چه اقدام عملی انجام داده ایم. چرا به جای ثبت ملی موسیقی ایرانی ،باید ثبت جهانی موسیقی ایرانی را نظاره گر باشیم .و به جای اعتراض سازمان میراث فرهنگی کشورمان، باید اعتراض سازمان یونسکو را برای تخریب پاسارگاد بشنویم.چراازسینما گران ما به جای تقدیر در جشنواره فیلم فجر ،باید در جشنواره های کن و اسکار و... تقدیر گردد(گفتگو با فرهاد توحیدی درخانه سینمای ایران 10/7/90).و چرا نوروز که آیینی ملی است وتنها مختص این آب وخاک است، باید تنها ثبت جهانی گردد .این مسایل نیز ثمره عدم انجام کار اساسی در حوزه هنر در کشور ماست و عدم به رسمیت شناختن حوزه مطالعات هنر را در کشورمان نشان می دهد.

**وضعیت** **پژوهش های هنر در ایران**

چالش هایی حوزه پژوهش را در کشور ما می توان به دو بخش تقسیم نمود: بخش نخست چالش های کلی در بخش پژوهش در ایران است که در هر حوزه ای وجود دارد و از کمبود منابع تحقیق گرفته تا کم حوصلگی ذاتی ما ایرانیان در انجام تحقیقات بنیادی، از این دسته چالش ها به حساب می آید.بخش دوم چالش هایی می باشند که پژوهش در یک حوزه خاص به دنبال دارد.برای نمونه حوزه هنر علاوه بر چالش های مطرح شده، دارای چالش های خاص تری نیز هست و باید گفت که از حوزه های پر چالش پژوهشی به در کشور ما محسوب می شود.

در یک تقسیم بندی کلی می توان پژوهش در حوزه هنر را به دو بخش کلی تقسیم کرد:نخست حوزه پژوهش های بنیادی هنر و دوم حوزه پژوهش های کاربردی هنر. در این بخش ابتدا به تعریف و مضامین هر دو حوزه می پردازیم و سپس مسائل هر یک را بر می شمریم.

**پژوهش های بنیادی هنر ایران**

همان طور که از نام این حوزه پیداست، به پژوهش هایی که حول محور بنیادهای فرهنگی و اجتماعی هنر، در جوامع مختلف، تدوین می گردند و پیرامون فضایی بحث می کنند که هنر در آن شکل می گیرد،پژوهش بنیادی هنر گویند(گفتگو با رئیس فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی،جناب آقای علی معلم دامغانی در مورخ 18/6/90در دفتر ایشان). و شامل حوزه های های ذیل می باشد:

* **حوزه فلسفه هنر :** فلسفه هنر در زمینه هویت یک هنر و منابع اصالت بخش آن بحث می کندو پیرامون موضوع هایی مثل فلسفه وجودی سینمای ،فلسفه معماری ،بنیادهای موسیقی و...تحقیق و پژوهش می نماید. در این رشته بنیادهای یک هنر نیز به بحث گذاشته می شود و مبانی زیبایی شناسی از مضامین اصلی این حوزه محسوب می گردد .
* **حوزه تاریخ تحلیلی هنر**:برای درک بهتر ماهیت یک هنر مطالعه تاریخ و سیر تحولات آن امری لازم وضروری است. به همین جهت تاریخ هنر در این حوزه وارد می شود و در باب موضوعاتی مثل تاریخ سینما،تاریخ موسیقی تحقیق و پژوهش می نماید و درباره سیر تکاملی آنها را تحقیقاتی صورت می دهد.
* **حوزه جامعه شناسی هنر :**در این رشته رابطه بین تولیدکنندگان و عرضه کنندگان و ارائه دهندگان ودر نهایت مخاطبان هنر بررسی می گردد و نقش هر یک از آنها ،در یک هنر خاص مورد بررسی قرار می گیرد .برای نمونه در این رشته پژوهشگر کشف می کند که چه فاکتورهایی در جامعه وجود دارد که فلان فیلم یا فلان موسیقی پرطرفدار یا کم طرفدار می شوند. رشته هایی مثل جامعه شناسی سینما ،جامعه شناسی موسیقی از جمله زیر مجموعه این حوزه محسوب می گردند. همچنین در حوزه های وابسته به این بخش می توان به جامعه شناسی سیاسی هنر اشاره کرد که طی آن به بررسی رابطه دولت و نظام سیاسی با هنر پرداخته می شود و آن را تحلیل می نماید.
* **حوزه مدیریت و سیاستگذاری هنر :** در این حوزه نیز رابطه هنر و هنرمندان با نظام سیاسی بررسی می گردد و مدیریت هنری دولت مورد نقد و بررسی قرار می گیرد. نظریه های مدیریتی در حوزه هنر، از دیگر مباحث این حوزه است که در این حوزه مورد مطالعه قرار می گیرد.
* **حوزه اقتصاد هنر:**هنر مثل هر پدیده دیگری برای ادامه حیات خود نیازمند اقتصادی پویاست. به همین جهت متخصصان این رشته هر کدام نظریه هایی را در این باره ارائه کرده اند .برخی اقتصاد هنر را مستقل از استقلال دولت می دانند و برخی دیگر دخالت دولت در هنر را از موجبات رشد هنر در هر جامعه ای بر می شمرند. به مجموع این مباحث و همچنین راه های برآورده شدن مسائل مالی هنر ،اقتصاد هنر می گویند، که خود از زیر مجموعه هایی مثل اقتصاد موسیقی،اقتصاد سینما و... تشکیل یافته است.
* **حوزه روانشناسی هنر:**.بررسی تاثیر هنر بر روان آدمی را روانشناسی هنر می گویند . امروزه این رشته در دنیا بسیار پر طرفدار است.و هنر درمانی از شیوه های درمانی پر کاربرد در دنیا تلقی می گردد.
* **حوزه حقوق و قوانین هنر:**هنر همچون مسائل اجتماعی دیگر برای فعالیت در جامعه نیازمند قانونی مدون است و بدون وجود آن با مشکلات عدیده مواجه می گردد.حوزه تخصصی حقوق هنر از جمله رشته های مهم و مورد نیاز جامعه هنری محسوب می شود و به نوعی میثاق هنرمندان با جامعه و حاکمیت به حساب می آید.این حوزه نیز به بخشهای دیگری مثل حقوق سینما و... تقسیم می گردد.

در حوزه مطالعات بنیادی هنر موارد دیگری نیز وجود دارد که نسبت به موارد فوق ازاهمیت کمتری برخوردارند .

به جرات می توان گفت که به غیر از فلسفه هنر که آن هم در این چند سال اخیر در دانشگاه های ایران تاسیس گردیده،دیگر هیچ یک از رشته های فوق چه در بخش آموزش و چه در بخش پژوهش حضور قابل توجهی در عرصه ی آکادمیک ما ندارند و به همین جهت است که بحث هنر در کشور ما بحث غریبی به حساب می آید.عدم پژوهش بنیادی در حوزه هنر در کشور ما باعث آن شده که ما در حوزه مطالعات کاربردی هنر توفیق های چندانی نداشته باشیم و به نتیجه ی مطلوبی نرسیم.

تا بنیادهای هنر به درستی شناخته نشود(فلسفه هنر)،نیازها و سلیقه هنری جامعه را درک نگردد(جامعه شناسی هنر)،تاثیر روانی آن را بر جامعه مورد بررسی قرار نگیرد(روانشناسی هنر)،خط قرمز های هنری کشور را درک نشود(حقوق و قوانین هنر)،سرمایه لازم را برای ارائه کارهنری چه در بخش تولید و چه در بخش ارائه، فراهم نباشد(اقتصاد هنر)،تحولات یک هنر را در طول زمان مطالعه نگردد(تاریخ هنر)،و نگرش حاکمیت را نسبت به آن هنر مجهول باشد ،نمی توان توقع مشاهده آثار فاخر در حوزه هنر بود .خلاء های موجود در موارد فوق ثمره عدم مطالعه در حوزه مطالعات بنیادی هنر در کشور ماست .

پژوهشهای بنیادی هنر در کشور ما امری غریب محسوب می شود و تا کنون جایگاهی در تحقیقات ما نداشته اند.بدیهی است که تا این خلاء مرتفع نگردد ،نباید منتظر توسعه هنری کشور بود. از دیگر چالش های این حوزه می توان به کم بودن منابع در این حوزه ها اشاره کرد و اظافه نمود که کتابخانه های ما در این حوزه بسیار دارای فقر منابع می باشند. مفروض بر اینکه کتابخانه ها ما از منابع غنی گردد،چالش بعدی نبود نیروی متخصص در رشته های فوق است ،چرا که نه در دانشگاه های ما رشته های فوق وجود دارند و نه در پژوهشکده های ما این موضوعات دنبال می گردد.و اولین گام برای شروع پژوهش هنری در کشور ،پژوهش در این حوزه هاست.به همین جهت تا این چالش ها مرتفع نگردد ،هر پژوهشی در این زمینه ناقص به نظر می آید.

هنر در ایران نه به عنوان بخشی از فرهنگ و نه به عنوان کالایی که ما با آن می خواهیم خود را به جهان پیرامونمان معرفی کنیم، بلکه هنوز به آن، به جنبه سرگرمی نگریسته می شود .نظام مدیریت وسیاستگذاری فرهنگی کشور نیز با هنرمندان رابطه نزدیکی ندارد و دیوار بلندی از گذشته تا به امروز میان آنها بوده که این نیز از چالش های هنر در کشور ما به حساب می آید.دراغلب دانشگاههای جهان علاوه بر رشته های کاربردی و تخصصی هنر، رشته های مطالعات بنیادی هنر نیز مورد تحقیق وبررسی قرار می گیرند. اما در کشور ما نوعی بی توجهی نسبت به حوزه های مطالعاتی هنر به ویژه در حوزه های بنیادی وجود دارد. و این بی توجهی به حدی است که حتی بسیاری از هنرمندان و فعالان حوزه هنر نیز از این رشته ها و ماهیت آنها بی اطلاع اند.جدول ذیل حوزه های آکادمیک مطالعات بنیادی هنر را نمایش می دهد.

|  |  |
| --- | --- |
| **رشته های آکادمیک دردر حوزه مطالعات بنیادی هنر** | |
| تاریخ هنر |  |
| فلسفه هنر | \* |
| جامعه شناسی هنر |  |
| اقتصاد هنر |  |
| روانشناسی هنر |  |
| حقوق و قوانین هنر |  |
| مدیریت وسیاست گذاری هنر |  |

\*تنها این رشته در دانشگاه های ایران در مقطع کارشناسی ارشد وجود دارد

**پژوهش های کاربردی حوزه هنر در ایران**

به آن دسته از پژوهش هایی که در یک رشته خاص هنری مثل موسیقی صورت می پذیرد، پژوهشهای کاربردی هنر می گویند. این حوزه همچنین هر گونه ابداع و نوآوری و تلفیق در هنری خاص را در بر می گیرد و به رشته هایی مثل موسیقی و سینما تقسیم می گردد.در پژوهش کاربردی هنر از فضایی که به مدد پژوهش های بنیادی به وجود آمده برای انتقال و ارائه و آموزش هنر استفاده می گردد.

پژوهش های کاربردی هنر را می توان به بخش های ذیل تقسیم کرد:

* **حوزه موسیقی :** موسیقی از مهمترین رشته های حوزه پژوهش های کاربردی هنر می باشد که خود به گرایش های مختلفی تقسیم می گردد.آهنگسازی،موسیقی ایرانی،موسیقی غربی،موسیقی نظامی و...از جمله این گرایش ها ست.در پژوهش در حوزه موسیقی بحث هایی همچون موسیقی تلفیقی مطرح می گردد و به نوعی مطالعات فنی و تخصصی در بخش موسیقی، در این رشته صورت می پذیرد.تمامی موسیقی دانان از فعالین این حوزه محسوب می گردند.موسیقیهای پاپ و رپ و... نیز از جمله موضوعات مورد بحث در این حوزه می باشند.
* **حوزه سینما و تئاتر:** در این حوزه نیز، رو بنای سینما مورد مطالعه قرار می گیرد.اصول بازیگری ،کارگردانی،طراحی صحنه،گریم،و فیلمبرداری از جمله رشته های تخصصی در این حوزه محسوب می شوند .
* **حوزه هنرهای تجسمی:** دراین حوزه اصول و اسلوب های هنرهایی چون نقاشی،طراحی،خوشنویسی،تهذیب،و...مورد مطالعه قرار می گیرد و فعالان این حوزه نقاشان و طراحان و خوشنویسان می باشند. در این حوزه شیوه صحیح این هنرها ،مورد مطالعه قرار می گیرد و نوآوری در این حوزه ها مورد بحث واقع می شوند.
* **حوزه صنایع دستی:** یکی از نشانه های فرهنگ و تمدن اقوام ،صنایع دستی است که ثمره خلاقیت و تفکر هنری آنها است.در مطالعات این حوزه ،اسلوبهای این هنرها مورد بررسی قرار می گیرند.فرش و گلیم از مهمترین گرایشات صنایع دستی ایران می باشند که از هنر های ارزشمند در دنیا به حساب می آیند.
* **حوزه معماری و طراحی:**معماری به عنوان هنری شاخص و ماندگار تحت تأثیر زمان و وقایع دگرگون شده است.این هنر بیش از دیگر هنرها در معرض دید عموم است و به همین جهت باید با نگاهی ویژه ،مورد مطالعه قرار بگیرد.پژوهشگری در این حوزه پیرامون شیوه های معماری و طراحی صورت می پذیرد ودر نتیجه باعث تسهیل کار معماران و طراحان می شود.
* **حوزه طراحی صنعتی:** تکنولوژی باعث ورود اقلام و کالاهای جدیدی به زندگی روزمره انسانها شده است و طبیعی است که اشیاء جدید نیازمند طراحی های جدید می باشند، که به وسیله این هنر صورت می گیرد. با صنعتی شدن جوامع سنتی، نیز ورود کالاهای جدید به زندگی بیشتر گردیده و بازار رقابت اقتصادی باعث شده که شرکتهای تولیدکننده اقلام صنعتی، برای فروش بهتر کالاهایشان سعی می نمایند که کالای زیباتری به بازار عرضه کنند.و این وظیفه را متخصصان طراحی صنعتی به دوش می کشند .پژوهش در حوزه مطالعات طراحی صنعتی با هدف زیبایی بیشتر در اقلام و کالاهای صنعتی صورت می پذیرد.
* **حوزه هنر اسلامی:** با ورود اسلام به ایران هنر ایرانی دچار تحول شد و هنرهای جدیدی در آن به وجود آمد .هنرهایی که تحت تاثیر فرهنگ اسلامی حاصل گشتند را، هنر اسلامی می گویند.امروزه هنرهایی را همچون نگارگری،تهذیب،سفال،معرق و خاتم. را ازجمله هنرهای اسلامی می دانند.پژوهش پیرامون رشد و تکوین این هنرها و همچنین شیوه صحیح آموزش و به کارگیری آنها ،در حوزه های مطالعاتی این بخش است.

برخی از حوزه های مطالعاتی فوق در ایران با چالش های اساسی مواجه اند که رشته موسیقی برجسته ترین آنهاست، چرا که بسیاری از علمای دینی بخش هایی از موسیقی را غیر جایز اعلام کرده اند و بالتبع حاکمیت سیاسی نیز محدودیت هایی در این حوزه اعمال می دارد.از دیگر چالشها پژوهش در این حوزه می توان به فقر نظریه پردازی در این زمینه اشاره کرد و باید گفت که اغلب کارهای ارائه شده در این حوزه ، جنبه تقلیدی دارند،و فاقد مضامین نو هستند .به طور کلی وضعیت این رشته ها هم در ایران به شکلی است که بیشتر آموزش هنر مورد توجه است و پژوهش در حوزه های کاربردی هنر نیز بسیار نادر صورت می پذیرد.در چنین وضعیتی طبیعی است که در این هنرها نوآوری و ابداعی صورت نگیرد و تنها به انتقال نسل به نسل این هنر هادر کشور بدون هیچ تحولی، اکتفا شود.در جدول ذیل نیز وضعیت رشته های حوزه مطالعات کاربردی هنر و وضعیت آنها در ایران نشان داده شده است.

|  |  |
| --- | --- |
| رشته های آکادمیک حوزه مطالعات کاربردی هنر | |
| معماری | در5 گرایش: معماری محض، معماری اسلامی،معماری منظر،معماری داخلی، وبازسازی پس از سانحه |
| موسیقی | در سه گرایش:نوازندگی ساز ایرانی،نوازندگی ساز جهانی،وآهنگسازی |
| سینما و تئاتر | با 4گرایش در سینما: تدوین،کارگردانی،فیلمبرداری ،فیلمنامه نویسی  و4 گرایش در تئاتر:  کارگردانی،بازیگری،طراحی صحنه،ادبیات نمایشی |
| صنایع دستی | باگرایشی کلی تحت عنوان صنایع دستی و یک گرایش جزئی به نام طراحی فرش |
| هنرهای تجسمی | باشش گرایش: [نقاشی](http://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%86%D9%82%D8%A7%D8%B4%DB%8C)، [خوشنویسی](http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AE%D9%88%D8%B4%D9%86%D9%88%DB%8C%D8%B3%DB%8C)، [مجسمه‌سازی](http://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%85%D8%AC%D8%B3%D9%85%D9%87%E2%80%8C%D8%B3%D8%A7%D8%B2%DB%8C)، [طراحی](http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B7%D8%B1%D8%A7%D8%AD%DB%8C)، [عکاسی](http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B9%DA%A9%D8%A7%D8%B3%DB%8C)، [گرافیک](http://fa.wikipedia.org/wiki/%DA%AF%D8%B1%D8%A7%D9%81%DB%8C%DA%A9) |
| طراحی صنعتی | با یک عنوان کلی |
| هنرهای اسلامی | بایک عنوان کلی در کارشناسی ارشد |

**نگاهی به تخصص آکادمیک فعالان حوزه هنر در ایران**

از دیگر چالش های مطالعات تخصصی هنر ،باید به عدم تحصیلات آکادمیک اساتید و صاحب نظران حوزه هنر در رشته های هنری در ایران اشاره کرد.هنر برخلاف دیگر علوم که مراتب آموزش پیچیده ای دارد و باید از کانال آکادمیک در آنها متخصص گردید ، به رغم سختی های فراوان ،روال پیچیده ای نداشته و ندارد. به گونه ای که یک هنر آموز بدون هیچ ترتیبی چنانچه سالها در محضر یک استاد بزرگ به شاگردی بپردازد، احتمال اینکه به یک هنرمند بزرگ تبدیل شود ،در کشور ما بسیار بوده و هست .برای روشنتر شدن این موضوع باید گفت چنانچه کسی بخواهد در جامعه شناسی و یا اقتصاد به فردی صاحب نظر تبدیل شود غالبا می بایست پس از گذراندن تحصیلات آکادمیک به این موفقیت نایل آید.اما کسی که بخواهد در موسیقی و یا حتی سینما صاحب نظر گردد در کشور ما غالبا از کانالهای غیر آکادمیک به این موفقیت می رسد وهم اکنون نیز اگر به صاحب نظران هنر در کشور ما ،نگاه کنیم، می بینیم که اغلب آنها فاقد تحصیلات آکادمیک در حوزه هنری خود هستند و عمدتا از راه تجربه ،کسب دانش کرده اند. دانش تجربی مثل دانش آکادمیک به راحتی قابل سنجش نیست و به همین لحاظ سلیقه ی عمومی است که ستاره ای را در هنر با اقبال فراوان مواجه می کند ویا بالعکس.

از آنجایی که هنر ما جنبه غیر سیستماتیک و آکادمیک داشته و حتی در امروز هم دارد، برای هنرمندان جنبه تقلیدی یافته و به همین جهت است که در کشورمان کمتر شاهد تحول هنری بوده ایم و به تقلید از هنرمندان پیشین اکتفا کرده ایم. این موضوع تنها حکایتی از سطح جامعه نیست، بلکه حتی اگر به میزان تحصیلات اساتید دانشکده ی هنرهای زیبای دانشگاه تهران(به عنوان قدیمی ترین دانشگاه هنری در ایران)از ابتدای تاسیس تا به امروز نگاه کنیم می بینیم که اغلب آنها تحصیلات آکادمیکشان در راستای رشته تدریسشان نیست .حال این قضیه در رشته هایی مثل موسیقی هم چنان صادق است ،اما در رشته هایی مثل معماری دیگر صادق نیست.با نگاهی به جدول ذیل بیشتر پی به این مسئله خواهیم برد.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| **میزان دارا بودن تحصیلات آکادمیک هنری اعضای هیات علمی دانشگاه ها دررشته های هنری وهمچنین ستارگان هنردر ایران** | | |
| معماری،طراحی شهری | | 11/87 درصد |
| طراحی صنعتی | | 18/96 درصد |
| موسیقی و آهنگسازی | | 18/10 درصد |
| سینما و تئاتر | | 27/12 درصد |
| گرافیک و نقاشی | | 21/18 درصد |
| صنایع دستی | | 6/1 درصد |

حال با مشاهده چنین وضعیتی باید از دانش هنرمندان و هنرشناسان تجربی بهره برد وبا استفاده از دانش آکادمیک آن را تکمیل وهدایت نمود.چرا که دانش تجربی در هنر از اعتبار کافی برخوردار است واگر بخواهیم به آن بی توجه باشیم پژوهش کاملی، نمی توانیم در این حوزه داشته باشیم .

**حوزه های مطالعاتی وابسته به هنر :**

در هنر نامیدن برخی رشته ها تردیدهایی وجود دارد. برخی در تقسیم بندی هایشان آنها را هنر می نامند و برخی دیگر آنها را هنر نمی دانند.ادبیات از جمله این رشته هاست .در این باره باید گفت که اگر نتوان ادبیات را مستقیما در حوزه مطالعات هنر تعریف کرد اما می توان آن را از رشته هایی دانست که بسیار به هنر نزدیک می باشد .ادبیات در هنرهایی مثل موسیقی نقشی اساسی ایفا می کند و بخش اعظمی از این هنر را تشکیل می دهد.ادبیات به عنوان کلام در موسیقی از دیرباز مورد توجه بوده است و به سبب آهنگین بودن اشعار به کار برده شده در موسیقی، می توان آن را بخشی از موسیقی دانست. همینطور ادبیات نمایشی به عنوان گرایشی از ادبیات در سینما و تئاتر نقشی بنیادین ایفا می کند و هنر فرض می شود .در هنرهای دیگری چون خوشنویسی ،معماری تاثیر ادبیات و کاربرد آن را می توان دید و اگر نتوان آن را کاملا هنر نامید می بایست به آن به عنوان بخش میان حوزه ای(حوزه هنر و حوزه علوم انسانی)بدانیم.به غیر از ادبیات رشته های دیگری نیز وجود دارد که برخی آن را در دایره هنر می گنجانند و برخی آنها را هنر مکمل می دانند که بزم و رقص نیزجزئی از آنهاست که در کشور ما در عصر حاضر کاربردی ندارد و به همین جهت پرداختن به آن نیز بیهوده است.

**نگرشی کوتاه بر وضعیت پژوهش در حوزه های هنری در کشور**

پس از تشریح حوزه های مختلف پژوهش هنر می بایست تاثیر هنرمندان را بر فضای مطالعاتی هنر نیز بررسی نماییم. با نگاهی به پژوهش های صورت گرفته در حوزه هنر در ایران پی به این نکته می بریم که پژوهش های مذکور، همه حوزه های مطالعات در این بخش را در بر نمی گیرید. با نگاهی به حوزه های مطالعاتی مذکور می توانیم فقر مطالعاتی را در حوزه هنر متوجه شویم.با مشاهده جدول های زیر تا حد زیادی پی به این خلاء می توان برد.در این جدولها حوزه های پژوهشی و وضعیت آنها در ایران نشان داده شده است .

جدول شماره 1

|  |
| --- |
| **حوزه های پژوهشی فعال**  **در بخش پژوهش هنر در ایران** |
| **تمامی حوزه های مطالعات تخصصی و کاربردی هنر** |
| **حوزه مطالعات تاریخ اجمالی و روایتی هنر**  که آنها نیز فاقد جنبه تحلیلی می باشند و در آنها به ذکر تاریخ روایتی هنر بسنده گردیده |

جدول شماره 2

|  |
| --- |
| حوزه های پژوهشی نیمه فعال  در بخش پژوهش هنر در ایران |
| حوزه مطالعاتی فلسفه هنر |
| حوزه مطالعاتی تاریخ تحلیلی هنر |
| حوزه مطالعاتی جامعه شناسی هنر |
| حوزه مطالعاتی مدیریت و سیاستگذاری هنر |

جدول شماره 3

|  |
| --- |
| حوزه های پژوهشی غیرفعال  در بخش پژوهش هنر در ایران |
| حوزه مطالعاتی  بررسی زیرساختهای هنر |
| حوزه مطالعاتی  بررسی چالش ها و آسیب شناسی هنر |
| حوزه مطالعاتی  بررسی چشم انداز و منشور هنر |
| حوزه مطالعاتی  اقتصاد هنر |
| حوزه مطالعاتی  روانشناسی هنر |
| حوزه مطالعاتی  حقوق و قوانین هنر |

**منابع موجود پژوهش هنر در ایران**

منابع تحقیق در هنر را باید به دو بخش کلی تقسیم کرد 1- منابع مکتوب هنر 2- منابع غیر مکتوب

**- منابع غیرمکتوب پژوهش هنر(تحقیقات میدانی هنر)**

الف.همایش ها،سمینارها،و نشستهای تخصصی هنری: همایش ،سمینار،هم اندیشی و نشست های تخصصی در رشته های مختلف هنری ،یکی از منابعی محسوب می گردد که می توان به وسیله آن پژوهش های هنری را تعمیق نمود.مباحثی و مناظره هایی که در این گونه مراسم ها مطرح می شود،باعث روشن تر شدن مسائل هنری در کشور می شود وبا دسته بندی آنها می توان به نتایج قابل قبولی در حوزه هنر دست یافت.

ب: افکارسنجی ونظرخواهی از نخبگان هنری:در این بخش پرسش نامه های بازی میان اهالی فرهنگ وهنر کشور در موضوعات مختلف توزیع می گردد.و در مواردی نیز به طور اختصاصی مصاحبه هایی با اصحاب هنر کشور انجام می پذیرد و نتیجه آنها ، به شکل مکتوب در اختیار پژوهشگران هنری قرار می گیرد.این گونه تحقیقات نیز از آنجایی که توسط صاحب نظران حوزه هنر تکمیل می گردند از اعتبار خاصی در پژوهش های هنری برخوردارند.

ج: همکاری و حضور در مراکز هنری کشور: روزانه اخبار هنری بسیاری به گوش ما می رسد ،که در آن حکایت از فعالیت هنری مراکز دولتی و غیردولتی دارد.و از جشنواره های هنری و اخبار هنری سخن به میان می آورد.، قرار گرفتن در مراکز هنری و انجام کار مشترک پژوهشی در این مراکز افق پژوهشی ،پژوهشگران حوزه هنر را باز می کند .چرا که پژوهش در حوزه هنر باید جنبه کاربردی داشته باشد و قرار گرفتن در این مراکز به کاربردی شدن پژوهش ها کمک شایانی می نماید.

**- منابع مکتوب پژوهش هنر:**

**الف. کتب ومجلات تخصصی هنر:** اصلی ترین منابع هر پژوهشی کتب و مجلات تخصصی به حساب می آیند.این منابع به دلیل دقت بیش از حد در نگارششان ،همواره برای پژوهشگران قابل استناد بوده و از اصالت ویژه ای برخوردارند.منتهی در کشور ما به دلیل فقر مطالعات در حوزه هنر بیشتر باید به منابع ترجمه شده استناد کرد و البته از بیانات متخصصان تجربی هنر کشورمان نیز برای تکمیل پژوهش ها و بومی سازی آن نیز می بایست بهره برد.

**ب.اخبار و گزارش های هنری:**سالانه همایش ها و نشستهای تخصصی بسیاری در دنیا در موضوع هنر صورت می پذیرد و همچنین اخبار و گزارش های هنری زیادی نیز از رسانه ها ارائه می گردد .این گونه گزارشات اگر چه به اندازه کتب و مجلات تخصصی از اصالت کافی برخوردار نیستند ،اما به عنوان گزارش فعالیت هنری، از میزانی از اهمیت، برای پژوهش های هنری برخوردارند.

**راهبردهای توسعه پژوهش های هنری در ایران**

با تمامی چالش هایی که در حوزه مطالعات هنر در کشور ما وجود دارد، اما پژوهش در این حوزه به منظور حفظ فرهنگ و تمدن کشورمان بسیار ضروری است و می بایست تلاش نمود که هر چه سریعتر ،این چالش ها مرتفع گردند.حوزه مطالعات هنر در ایران نیازمند یک نگرش جدید است که طی آن پژوهش هنر نه یک کار بیهوده بلکه امری واجب و ضروری تلقی گردد.

در سالهای گذشته نوعی بی توجهی نسبت به حوزه هنر وجود داشته و اساسا هنر را نه به عنوان یک نیاز بلکه به عنوان یک سرگرمی که در پاره ای از موارد ذنب لایغفر هم تلقی می شد تصور می کردند .حال با توجه به درک اهمیت هنر به عنوان وسیله ای برای تبلیغ و بیان و حفظ فرهنگ ،ضروری است که چه بخش دولتی و چه بخش خصوصی با تغییر نگاهی به حوزه هنر ،تمام توش و توان خود را در جهت افزایش مطالعات در حوزه هنر به کار ببندند.

**پیشنهادات راهبردی**

پیشنهادات ذیل به جهت توسعه حوزه مطالعات هنر در ایران مطرح می گردد:

1. تاسیس گروه های آموزشی و پژوهشی مطالعات کاربردی هنر در دانشگاهها و پژوهشکده ها و مراکز پژوهشی کشور به منظور ایجاد بستری مناسب برای توسعه هنری کشور
2. تشکیل شورای عالی هنر جمهوری اسلامی ایران از میان هنرمندان وبا رای مستقیم آنان، به منظور مدیریت کلان حوزه هنر و ایجاد بستر های مناسب توسعه هنری ،در بخش های دولتی وغیردولتی.
3. تقویت مطالعات کاربردی هنر و تغییر و تحول در آن به منظور مقابله با کالاهای هنری وارداتی و تقویت هنر ملی و پیشروی هنر، با نیازهای عمومی روز و پاسخ یابی برای نیازهای فرهنگی و هویتی بشر امروز.
4. به رسمیت شناختن مطالعات هنر از سطوح خرد تا کلان حاکمیت و درک ضرورت پرداختن به آن و ارائه چهره ای نو و صحیح از کشورمان به وسیله هنر به دنیا.
5. تاسیس گروه مطالعات و پژوهش های هنری در مراکزی چون مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی،مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام،مرکز بررسی های نهاد ریاست جمهوری و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به منظورافزایش تحقیقات در حوزه هنر .
6. برگزاری نشست های تخصصی هنری در مراکز فرهنگی و هنری کشور به منظور کاهش فاصله میان حاکمیت و هنرمندان و همچنین از بین بردن دیوار بی اعتمادیی که میان دولت و هنرمندان وجود دارد.
7. تدوین منشور جامع ونقشه راه، برای هنر، به منظور شفاف شدن مسیر حرکت هنر در کشور و تحقق توسعه هنری.
8. تدوین چشم انداز هنر کشور با تکیه بر سندچشم انداز توسعه،به منظور روشن شدن افق هنری ایران و از بین بردن کاستی ها ی این بخش و همچنین آسیب شناسی این حوزه در ایران.

**منابع مورد استفاده در این پژوهش:**

کتب ومجلات:

آبراهامیان؛یرواند، تاریخ ایران مدرن، نشر نی ،تهران 1389

اجلالی؛پرویز، تحول اجتماعی و فیلم های ایران ،تهران 1387

حجاریان؛ محسن- لطفی؛محمدرضا ، نامه شیدا ، تهران 1389

سریع القلم؛محمود،ایران وجهانی شدن،مرکزتحقیقات استراتژیک،تهران1384

نیاکان؛سهیلا ، مدیریت هنری در ایران ،نشر آنا، تهران 1387

( Riordan Roett and Russell Crondall (1999

گزارش ها:

گزارش آیین گشایش پانزدهمین جشن خانه سینمای ایران .

گزارش تفصیلی نشست تخصصی بررسیی چالشهای موسیقی ایران در مرکز تحقیقات استراتژیک.

گزارش تفصیلی نشست تخصصی چالشهای نظام مدیریت وبرنامه ریزی هنری در مرکز تحقیقات استراتژیک.

گزارش تفصیلی نشست تخصصی بررسی زیرساختهای سینمای ایران در مرکز تحقیقات استراتژیک .

مصاحبه ها:

گفتگوی با استاد دکترمحمد علی اسلامی ندوشن مورخ در 30/2/90 در ایرانسرای فردوسی.

گفتگوی بااستاد فرهاد توحیدی عضو هیات مدیره خانه هنرمندان ایران در مورخ 10/7/90 در خانه سینما.

گفتگو با استاد علی معلم دامغانی ،رئیس فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی در مورخ 18/6/90 در دفتر ایشان.

گفتگو با استاد حمیدرضا نوربخش مدیر خانه موسیقی ایران در مورخ 15/8/90 در خانه موسیقی ایران.

گفتگوی با استاد محمد رضا لطفی در تاریخ 3/5/90 در مکتب خانه میرزا عبدلله.

گفتگوی با جناب آقای محمد مهدی عسگر پور مدیر خانه سینما مورخ 20/1/ 90در خانه سینما.

پایگاه های اینترنتی:

وب سایت خانه سینمای ایرانwww.khanehcinema.ir

وب سایت خانه موسیقی ایران www.iranhmusic.ir

وب سایت خانه هنرمندان ایرانwww.iranartists.org